

۱۴۰۰

سالنامه
فیبین
راهبردی



سوریه
در سال ۱۴۰۰
رویدادها و روندها





سالنامه تبیین راهبردی ۱۴۰۰



سوریه در سال ۱۴۰۰؛ رویدادها و روندها



اندیشکده راهبردی تبیین



نشانی: تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۷



کد پستی: ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمبر: ۸۹۷۷۱۹۶۴

فهرست

مقدمه ۳

تحولات سیاسی ۴

تحولات میدانی ۸

روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه ۱۲

چشم‌انداز تحولات در سال ۱۴۰۱ ۱۳

جمع‌بندی ۱۶

فهرست مقالات منتشرشده در سال ۱۴۰۰ ۱۶



دکتر حسین آجورلو
کارشناس مسائل غرب آسیا

نوشتار حاضر ضمن بررسی مهم‌ترین رویدادها و روندهای بحران سوریه در سال ۱۴۰۰ تلاش می‌کند تا دورنمایی از تحولات این کشور در سال آینده ارائه دهد.



مقدمه

سوریه یکی از بازیگران مهم منطقه غرب آسیا در زیرسیستم شامات است که به دلیل بروز بحران‌های ناشی از تحولات جهان عرب نزدیک به یازده سال در یک بحران عمیق امنیتی فرو رفته است. تبعات این بحران امنیتی منجر به بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در این کشور شده است. طولانی شدن این بحران و به تبع آن تضعیف چشم‌اندازهای مثبت به خصوص در زمینه اقتصادی به واسطه تشدید تحریم‌های آمریکا، زمینه‌ساز مستهلک شدن این پرونده نیز شده است. روند چهار ساله اخیر (بعد از پایان سیطره داعش بر سرزمین‌های سوریه و اعاده حاکمیت نظام سوریه بر اکثر سرزمین خود) و تحولات سیاسی و میدانی نشان از تداوم وضعیت کنونی بوده با این حال در سال ۱۴۰۰، شاهد تحولاتی بوده‌ایم که در صورت تداوم آنها ممکن است سوریه وارد مرحله جدیدی شود که در آینده آن تأثیرگذار باشد. در این نوشتار تلاش می‌شود تحولات سوریه در سال ۱۴۰۰ در دو حوزه سیاسی و میدانی و همچنین روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و در پایان ضمن جمع‌بندی مطالب، چشم‌اندازی از تحولات احتمالی سال آینده ارائه شود.



تحولات سیاسی

الف) تشدید تلاش برخی از کشورهای عربی برای احیای روابط با سوریه

در سال ۱۴۰۰ تشدید تلاش برخی از کشورهای عربی برای احیای روابط با سوریه قابل توجه بود. به طوری که شاهد برقراری تماس میان ملک عبدالله پادشاه اردن و بشار اسد رئیس جمهور سوریه برای اولین بار بعد از بحران سوریه در ۱۱ مهر ۱۴۰۰، سفر شیخ عبدالله بن زاید وزیر امور خارجه امارات متحده عربی در ۱۸ آبان ۱۴۰۰ به دمشق و دیدارش با بشار اسد، انتخاب سفیر جدید بعد از ۱۰ سال از سوی پادشاهی بحرین در دمشق در دی ماه ۱۴۰۰، سفر بدر بن حمد البوسعیدی وزیر خارجه سلطنت عمان در ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ و همچنین اعلام احمد ابوالغیط دبیرکل اتحادیه عرب برای بررسی بازگشت سوریه به این اتحادیه در ۱۳ بهمن ۱۴۰۰ در نشست‌های آتی بوده ایم.



در مورد تشدید تلاش برخی از کشورهای عربی برای احیای روابط با سوریه

طی سال اخیر تحلیل‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:


۱. پذیرش واقعیت‌های سیاسی و میدانی سوریه موجب شده برخی از کشورهای عربی به سمت احیای روابط با این کشور پیش روند تا بتوانند از ظرفیت‌ها و مزایای احتمالی سیاسی و اقتصادی سوریه در حال بازسازی بهره‌مند شوند؛

۲. با توجه به نیازهای اقتصادی و سیاسی سوریه به کمک‌های بین‌المللی



برای کاهش آثار تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا در قالب قانون سزار و همچنین تقویت روند بازسازی، برخی از کشورهای عربی این امر را فرصتی مناسب برای حضور و نفوذ در این کشور می‌دانند و تلاش دارند از این طریق برای ایجاد فاصله میان این کشور با محور مقاومت به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند به‌خصوص اینکه ایران نیز به دلیل مشکلات اقتصادی از توان کافی برای کمک به بازسازی سوریه برخوردار نیست و در مقابل برخی از کشورها به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس به دلیل داشتن منابع کافی از این توانایی برخوردارند و این امر ممکن است سوریه را به سمت بهره‌مندی از این فرصت سوق دهد؛

۳. در مورد خاص تلاش امارات متحده عربی برای احیای روابط با سوریه



اگر روند احیای روابط کشورهای عربی با سوریه دنبال شود به غیر از برخی آسیب‌ها، پیامدهای مثبتی دارد که مهم‌ترین آنها مشروعیت بخشی به نظام حاکم سوریه در بستر جامعه عربی است.

می‌توان گفت این کشور در یک سال اخیر به سمت اتخاذ یک سیاست خارجی ریسک‌گریز و تنوع‌ساز در سطح منطقه غرب آسیا پیش رفته است. به همین دلیل شاهد تلاش امارات در مدیریت و احیای روابط با کشورهای رقیب خود همچون ترکیه، ایران و سوریه هستیم. از سوی دیگر مقامات اماراتی در تلاش اند

با این سیاست خارجی تبعات منفی سیاسی و امنیتی عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را کاهش دهند.

به هر روی اگر روند احیای روابط کشورهای عربی با سوریه دنبال شود به غیر از برخی آسیب‌ها، پیامدهای مثبتی دارد که مهم‌ترین آنها مشروعیت بخشی به

نظام حاکم سوریه در بستر جامعه عربی است که این نظام به شدت این سیاست را دنبال می‌کند. در صورت مدیریت صحیح و هوشمند این روند، سوریه از این طریق می‌تواند در سال‌های آینده زمینه اعاده حاکمیت بر اراضی خود و همچنین فراهم شدن بستر مناسب برای تسریع در بازسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم کند.

ب) ناکامی روزافزون ابتکار کمیته تدوین قانون اساسی سوریه

از زمان آغاز برگزاری اولین نشست کمیته تدوین قانون اساسی سوریه با حضور ۵۰ نماینده همسو با دولت، ۵۰ نماینده مخالف و ۵۰ نماینده جامعه مدنی زیر نظر سازمان ملل متحد در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۹، تاکنون شش دور گفت‌وگو برگزار شده است که آخرین آنها در اواخر مهر ۱۴۰۰ بود. نتایج آخرین نشست نشان داد که از این ابتکار نمی‌توان انتظار راه‌حل سیاسی مناسب برای آینده سوریه داشت که مهم‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از:



۱. این ابتکار بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های سیاسی و میدانی سوریه ارائه شده و عموم هیئت‌ها و افرادی که با نام مخالفین و جامعه مدنی در این نشست‌ها شرکت می‌کنند همچنان بر موضع حامیان خود همچون آمریکا، عربستان سعودی و ترکیه یعنی تغییر قانون اساسی که منجر به تغییر نظام شود تأکید دارند. به نظر می‌رسد این امر با واقعیت‌های جدید در تعارض و موجب به بن بست رسیدن این ابتکار شود.



۲. خارج شدن موضوع سوریه از اولویت‌های سازمان ملل و کشورهای عمده بین‌المللی در چند سال اخیر موجب شده این ابتکارات بیشتر جنبه نمایشی از تحرک بین‌المللی داشته باشد درحالی که بحران سوریه نیازمند ابتکاراتی است که حمایت جدی را از سوی همه کشورهای مؤثر در این بحران داشته باشد و همین‌طور جایگاه دولت حاکم بر دمشق را بیش از پیش بپذیرد.

با توجه به این امر به نظر می‌رسد روند فعلی کمیته تدوین قانون اساسی بدون ارائه ابتکار جدی و مطابق با شرایط سیاسی و میدانی جدید سوریه، بیش از آن که منافع سوریه و کشورهای مؤثر را دنبال کند موجب تداوم بحران و تأخیر در روند بازسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور می‌شود.

ج) متغیر روابط پرفراز و نشیب و اشنگتن و مسکو

یکی از متغیرهای عمده سیاسی بحران سوریه رویکردهای روسیه و آمریکا در مورد این پرونده و تبع آن سطح تعاملات آنها در این مورد است. درحالی که در اکثر مواقع سال ۱۴۰۰، اخبار منتشره از برخی توافقات میان طرفین به‌ویژه در مورد ارسال کمک‌های بین‌المللی به سوریه و همچنین هماهنگی‌هایی در مورد اقدامات نظامی در سوریه و نمایانگر کاهش سطح تنش‌ها در شرق سوریه بود ولی در اواخر سال به‌خصوص بعد از تشدید بحران اوکراین تا حدودی این روند متوقف شد. در کل وضعیت شرق سوریه در سایه متغیر روابط آمریکا و روسیه آستان تحولاتی است که نیازمند تمرکز بیشتر از سوی بازیگران تأثیرپذیر از بحران سوریه است.



تحولات میدانی

الف) فعال شدن هسته‌هایی از داعش در شرق سوریه

در سال ۱۴۰۰ بعد از چند سال کاهش در فعالیت‌های داعش، شاهد تحرکات جدی این گروه به‌خصوص حمله به مقرهای نظامی دولت سوریه، نیروهای حاکم بر شرق فرات و دولت عراق و همچنین حمله به منافع محور مقاومت و زندان‌های محل نگهداری نیروهای داعش بودیم. بسیاری از تحلیلگران این روند را فعال شدن مجدد هسته‌های داعش می‌دانند که در صورت عدم مدیریت و تقابل با آنها، ممکن است زمینه اوج‌گیری مجدد داعش باشد. در مورد چرایی فعال شدن مجدد این گروه ناظران تحولات منطقه مواردی را ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:



۱. با کاهش حضور نظامی آمریکا در عراق و تا حدودی نیز در شرق سوریه (وجود برخی از گزارش‌های غیررسمی از تخلیه سه پایگاه آمریکایی در این منطقه) و همچنین کاهش حمایت آمریکا از نیروهای کُرد به تبع آن تضعیف توان کردها برای کنترل منطقه شرق فرات، زمینه سازمان‌دهی مجدد داعش فراهم شده است؛
۲. تلاش آمریکا برای هزینه‌سازی و تضعیف رقبای خود همچون محور مقاومت و روسیه با ناامن‌سازی و پویا کردن منطقه از طریق باز گذاشتن دست داعش در بازآفرینی قدرت خود؛



۳. ضعف حکمرانی و مدیریت نیروهای حاکم و متحد آمریکا بر مناطق شرق سوریه موجب افزایش ناراضی مردم در این مناطق شده به طوری که بستر مناسب برای جذب نیروهای جدید از میان مردم این منطقه و به تبع آن تقویت داعش را فراهم کرده است؛

۴. اتخاذ راهبردهای نظامی و امنیتی جدید از سوی داعش برای بازیابی توان خود از طریق عملیات‌های تروریستی پر حجم و مؤثر به اماکن تجمع نیروهای مخالف خود با فضا سازی و پیوست رسانه‌ای گسترده که حتی برخی از تحلیلگران غربی کشتن رهبر داعش توسط آمریکا را بر اساس گزارش‌های این چنینی می‌دانند تا در این روند اختلال ایجاد کنند.

ب) تلاش هیئت تحریر الشام برای سیطره بر ادلب

با توجه به پیشرفت‌های ارتش و نیروهای مقاومت در مناطق مختلف سوریه در سال‌های گذشته و تلاش ترکیه برای ایجاد منطقه حائل در مرزهای خود و همچنین ممانعت کردها برای حضور گروه‌های تکفیری و تروریستی در شرق فرات، ادلب به محل تجمع گروه‌های معارض سوری تبدیل شده است. این گروه‌ها اگرچه از طیف‌ها و جریانات فکری بعضاً معارض (از اسلام‌گرایان تکفیری تا سکولارهای ارتش آزاد) هستند ولی بر اساس موازنه قدرت و توافقات ضمنی محلی میان خودشان و منطقه‌ای میان کشورهای حامی، هر کدام بر منطقه‌ای سیطره دارد. با این حال در سال ۱۴۰۰ شاهد تحرک گسترده هیئت تحریر الشام به رهبری



ابومحمد الجولانی (دارای قرابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک با سازمان القاعده) در این منطقه بودیم، به طوری که این گروه تلاش داشت گروه‌های دیگر را از طریق مصالحه و برخورد نظامی زیر سلطه خود ببرد. در مورد تحرکات اخیر تحریرالشام، تحلیلگران دلایل مختلفی را مطرح می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. حمایت پنهان ترکیه از تحریرالشام به‌عنوان قدرتمندترین گروه در ادلب برای ایجاد انسجام و جلوگیری از هرج و مرج فعلی در جهت کنترل بیشتر بر مرزهای خود، کاهش هزینه مالی برای تمرکز بر یک گروه به‌جای گروه‌های متعدد (گفتنی است که ترکیه در سال ۱۴۰۰ با یک بحران اقتصادی جدی روبرو شده و به همین دلیل به دنبال کاهش هزینه‌های خود در سطح داخلی و بین‌المللی است) و همچنین ایجاد یک نیروی مؤثر علیه نظام برای به دست آوردن یک برگ برنده در مذاکرات تعیین‌کننده آینده سیاسی و امنیتی سوریه همچون روند آستانه و کمیته تدوین قانون اساسی؛



۲. برنامه ابومحمد الجولانی برای تسلط تحریرالشام بر ادلب به‌منظور کسب حمایت مخالفان نظام سوریه به‌خصوص اینکه اکثر گروه‌های کوچک‌تر در ادلب به دلیل کاهش حمایت‌های خارجی در وضعیت بغرنجی به سر می‌برند. در این وضعیت نیروهای تحت امر این گروه‌ها در حال فرسایش هستند و جولانی در حال بهره‌برداری از این وضعیت است.



ج) افزایش سطح حملات محدود و کنترل شده رژیم صهیونیستی در سوریه

محور مقاومت طی چندسال اخیر توانسته به موازنه نسبی و بازدارندگی قابل ملاحظه‌ای با رژیم صهیونیستی برسد و حضور و نفوذ خود را در مرزهای فلسطین اشغالی افزایش دهد. این امر موجب افزایش درک تهدید از سوی این رژیم شده و به همین دلیل راهبردها و تاکتیک‌های مختلف سیاسی، نظامی و امنیتی را در این زمینه اتخاذ کرده است که یکی از این راهبردها، انجام عملیات‌های نظامی محدود

و کنترل شده برای تضعیف توانمندی‌های محور مقاومت به خصوص در سوریه محسوب می‌شود. این راهبرد در چند سال اخیر به خصوص در قالب عملیات‌های هوایی، پهپادی و توپخانه‌ای تداوم داشته است ولی به نظر می‌رسد سطح این عملیات‌ها افزایش یافته است به طوری که در عملیات‌های این

کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه به خصوص بعد از خروج نظامی از افغانستان و عراق که رژیم صهیونیستی را به سمت راهبردهای خودیاری پیش برده است.

رژیم در سال ۱۴۰۰ از موشک‌های زمین به زمین (در چندسال اخیر کم‌نظیر بوده) در حومه دمشق و همچنین هدف قرار دادن بنادر مدیترانه‌ای سوریه که فاصله چندانی با پایگاه‌های روسی ندارد، می‌توان این روند را مشاهده کرد. در مورد علل افزایش سطح عملیات‌های تل‌آویو علیه دمشق می‌توان گفت:

۱. افزایش نگرانی رژیم صهیونیستی از افزایش دقت موشکی و پهپادی

گروه‌های مقاومت؛



۲. کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه به خصوص بعد از خروج نظامی از افغانستان و عراق که رژیم صهیونیستی را به سمت راهبردهای خودیاری پیش برده است؛

۳. رژیم صهیونیستی به دلیل آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با طرف‌های بین‌المللی از این ناحیه احساس تهدیدی کند. در این راستا ضمن تقویت کارزارهای سیاسی و دیپلماتیک، در حوزه نظامی و امنیتی نیز به افزایش ریسک پرداخته و سعی دارد با عملیات‌های نظامی سطح بالاتر و همچنین خرابکاری‌های امنیتی و ترورهای هدفمند، این مذاکرات را مختل کند.

روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه



روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه بعد از انقلاب اسلامی همواره رو به توسعه بوده و با آغاز بحران سوریه این روابط، ابعاد راهبردی نیز به خود گرفته و در سال ۱۴۰۰ نیز ادامه داشته است. نکته قابل توجه در این سال استقرار دولت سیزدهم و تیم جدید وزارت خارجه بوده است که به دلیل رویکردهای نهضتی و انقلابی و همچنین تلاش در اتخاذ سیاست همسایه فعال و در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی نگاه ویژه‌تری به سوریه دارند. به طوری که در شش ماه دوم سال ۱۴۰۰ یعنی استقرار دولت جدید سطح دیپلماسی میان ایران و سوریه افزایش چشمگیری داشته و شاهد افزایش رفت‌وآمدهای دیپلماتیک مقامات دو کشور به



پایتخت‌های هم بوده ایم. برای مثال می‌توان به سفر حسین امیرعبداللهمیان وزیر امور خارجه، رستم قاسمی وزیر راه شهرسازی و سیدرضا فاطمی امین وزیر صنعت،

افزایش مبادلات

سیاسی تهران -

دمشق می‌تواند

زمینه‌ساز افزایش

مبادلات اقتصادی شود

که این امر نیازمند ایجاد

شبکه‌ها و رژیم‌های

همکاری میان دو کشور

در سطوح مختلف است.



معدن و تجارت به سوریه و همچنین دعوت از مقامات سوری به تهران اشاره کرد. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت و توجه ویژه دستگاه سیاست خارجی کشور به پرونده سوریه زمینه‌ساز افزایش تعاملات را در سال‌های آینده در بر داشته باشد به خصوص اینکه هر دو کشور درگیر تحریم‌های آمریکا هستند. افزایش

مبادلات سیاسی تهران-دمشق می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مبادلات اقتصادی شود که این امر نیازمند ایجاد شبکه‌ها و رژیم‌های همکاری میان دو کشور در سطوح مختلف است.

چشم‌انداز تحولات در سال ۱۴۰۱

با توجه به شرایط فعلی، به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۱، شاهد تحرک بیشتری از کشورهای عربی برای ارتقای روابط با سوریه باشیم چرا که این روند با هر نیتی تقویت شود به دلیل بهره‌مندی سیاسی دولت سوریه از آن استقبال خواهد شد.

در مورد کمیته تدوین قانون اساسی نیز به نظر می‌رسد این روند کند و ناکام



به دلیل نمایش تحرک بین‌المللی، نشست‌های آن در سال ۱۴۰۱ تداوم داشته باشد ولی نمی‌توان بدون ابتکار جدید از آن انتظار خاصی داشت. این وضعیت می‌تواند از سوی کشورهایایی که به دنبال پایان بحران سوریه هستند فرصتی محسوب شود تا با ارائه ابتکارهای جدیدی در این زمینه که واجد موضوعاتی همچون: ۱. اعاده حاکمیت دولت بر تمام سرزمین سوریه؛ ۲. ایجاد دولت فراگیر با حضور همه طرف‌های سوری که از پشتوانه مردمی برخوردار باشند؛ و ۳. داشتن برنامه منسجم برای بازسازی سوریه باشد.

در مورد متغیر روابط آمریکا و روسیه به نظر می‌رسد بحران اوکراین نیز بر تحولات سوریه در سال ۱۴۰۱ تأثیرگذار باشد. اگر مسکو و واشنگتن نیز رقابت‌های بین‌المللی خود را در سوریه ادامه دهند به نظر می‌رسد در آینده شاهد متشنج شدن شرق سوریه خواهیم بود و اگر طرفین به سمت مدیریت روابط در این مناطق پیش روند به خصوص اینکه آمریکا به دلیل هزینه‌های رویارویی با نیروهای مقاومت در عراق و سوریه، خواهان کاهش حضور نظامی در این منطقه است می‌توان گفت ممکن است روند کاهش تنش میان طرفین تداوم یابد. به نظر می‌رسد به غیر از هیجانات اولیه، طرفین به دلیل منافع سیاسی و امنیتی خود در سوریه به مدیریت آن می‌پردازند به خصوص اینکه هسته‌های داعش نیز در این منطقه در حال فعال شدن است.

در مورد تحولات میدانی در سال ۱۴۰۱، به نظر می‌رسد شاهد فعال‌تر شدن هسته‌های داعش باشیم به خصوص اینکه نیروهای حاکم بر شرق فرات دچار





ضعف فزاینده هستند و آمریکا نیز حاضر به افزایش نیرو و تمرکز عملیاتی در این منطقه نیست.

در مورد منطقه ادلب نیز به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۱ شاهد تداوم قدرت‌نمایی تحریرالشام باشیم ولی این امر نیز برای این گروه زمان‌بر و پرهزینه است. به همین دلیل در کوتاه‌مدت نمی‌تواند برای این گروه نتیجه خاصی داشته باشد.

در مورد روابط جمهور اسلامی ایران و سوریه در سال ۱۴۰۱، به نظر می‌رسد این روابط بیش از پیش گسترش یابد ولی باید به این مهم توجه داشت که

مشکلات ساختاری همچون تحریم‌ها، ضعف وجود شبکه‌ها و رژیم‌های تسهیل‌کننده روابط اقتصادی و زیرساختی، این روند را همچنان با مشکلاتی روبرو خواهد کرد. آن چیزی که می‌تواند به این روند کمک کند ایده‌ها و ابتکارات جدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند


اگر مسکو و واشنگتن نیز رقابت‌های بین‌المللی خود را در سوریه ادامه دهند به نظر می‌رسد در آینده شاهد متشنج شدن شرق سوریه خواهیم بود.

با تشکیل کارگروه‌های کارشناسی و اجرایی در زمینه ارائه ایده‌ها و ابتکارات جدید برای کاهش سطح بحران سوریه ارائه کنند تا روابط دو طرف را تقویت نمایند.



جمع‌بندی

بحران سوریه در سال ۱۴۰۰، یازدهمین سال خود را طی کرد در حالی که شاهد تحولات سیاسی و میدانی همچون تشدید تلاش‌های کشورهای عربی برای احیای روابط با سوریه، ناکامی ابتکار کمیته تدوین قانون اساسی، پرننگتر شدن متغیر روابط روسیه و آمریکا، فعال شدن برخی از هسته‌های داعش، فعال شدن هیئت تحریرالشام برای سیطره بر مناطق مختلف ادلب و افزایش سطح عملیات‌های رژیم صهیونیستی در سوریه بودیم که در این نوشتار تلاش شد به اختصار مورد اشاره واقع شود.

فهرست مقالات منتشر شده در سال ۱۴۰۰



اندیشکده راهبردی تبیین در سال ۱۴۰۰ مقالات و یادداشت‌هایی را درباره تحولات سوریه نگارش و منتشر کرده که عنوان و پیوند دسترسی به آن‌ها در ادامه می‌آید.

بهبود روابط جنبش فلسطینی فتح با سوریه؛ اهداف و پیامدها

<http://tabyincenter.ir/45436/slider/>

عادی‌سازی پرونده سوریه؛ نشانه‌ها، موانع و پیامدها

<http://tabyincenter.ir/44346/slider/>



اندرشده هزار کتبین



نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.tabyincenter.ir